

## حقوق جزائی

بباید قانون فرانسه او را تعقیب نمیکنند. ولی نباید مجازات مجرم را با خساراتیکه مدعی خصوصی میتواند از مجرم مطالبه کند اشتباه کرد. آنچه در مقابل دادگاههای فرانسه پذیرفته نیست مجازات مجرم از نظر جزائی است ولیکن دادگاه ها میتوانند مجرم مذکور را بتأدیبه خساراتیکه بر مجنی علیه وارد شده محکوم سازند.

**جنگه** - در قسمت جنگه فقط در صورتی جرم در فرانسه قابل تعقیب است که مجرم فرانسوی باشد بشرط آنکه عملی که بموجب قانون فرانسه جرم شناخته شده در کشور محل وقوع جرم نیز بموجب قانون آن کشور جرم شناخته شده باشد. شرط فوق الذکر از این لحاظ است که هرگاه عمل در کشوری که در آنجا اتفاق افتاده جرم حساب نشود خارج از انصاف است که عامل آنرا ( که هرگاه در کشور محل وقوع جرم باقی میماند غیر قابل تعقیب بود ) در فرانسه تعقیب و مجازات نمود. - بمباره آخری باید جرم بودن عمل در قوانین مختلف پیش بینی شده و این معنی مورد اتفاق جامعه های متمدن باشد.

قانون فرانسه در این مورد نکته دیگری را پیش بینی کرده است که تذکر آن بی فایده نیست و آن اینکه بین جنگه هائیکه در داخله فرانسه اتفاق میافتد با جنگه هائیکه بتوسط فرانسوی در خارج ارتکاب مییابد از نظر قابلیت تعقیب فرقی وجود دارد. - باین معنی که بر خلاف جرائم ارتکاب یافته در داخله که بتوسط مدعی العموم ( دادستان ) و همچنین بتوسط مدعی خصوصی قابل شکایت و تعقیب است جرائمیکه در خارج ارتکاب مییابد بتقاضای مدعی عمومی قابل تعقیب نیست بلکه مدعی خصوصی باید نزد دادستان اقامه دعوی کند و مشارالیه بامراجعه بقوانین کشوری که جرم در آنجا اتفاق افتاده موضوع را تحقیق و قابل مجازات بودن عمل را در کشور مزبور احراز کرده سپس اقامه دعوی جزائی بر علیه مجرم بنماید. بمباره آخری:

طریقه مزبور چنانکه تشریح شد منافع افراد فرانسوی را در مقابل جرائمیکه بر علیه آنها در خارج ارتکاب می یافت حفظ نمی نمود و بهمین جهت این رویه قابل دوام نبود. قوانینی که بعداً وضع شد این عیب را ترمیم کرده و امروزه جرائم را از این نظر در فرانسه سه دسته، جنایت و جنگه و خلاف تقسیم مینمایند که ما حکم هر کدام را علیحده ذکر می کنیم.

**جنایت** - جنایات را قانون از این جهت بدو دسته تقسیم کرده است:

دسته اول - جنایات بر علیه منافع عالیه حکومت مثل طبع تقلبی اسکناس - جعل امهار دولتی - تبانی برای متزلزل ساختن اساس حکومت و امنیت اجتماعی و غیره.

دسته دوم - سایر جنایات.

در خصوص دسته اول قانون بطور کلی جرم را قابل تعقیب دانسته است اعم از اینکه مجرم تبعه داخله یا از اتباع خارجه باشد. - با این فرق که اگر مجرم تبعه داخله باشد طبق قانون میتوان او را هر چند که در خاک فرانسه نباشد غایباً محکوم کرد. - در حالیکه نسبت باتباع خارجه شرط لازم برای رسیدگی آنست که مجرم بتوسط قوای حکومتی فرانسه دستگیر شده یا آنکه دولت فرانسه بوسیله استرداد مجرم را بدست آورده باشد.

در قسمت دسته دوم یعنی در قسمت جرائمیکه امنیت و اعتبارات حکومتی را متزلزل نکرده بلکه فقط بر علیه منافع افراد ارتکاب یافته است هرگاه جرم بتوسط تبعه خارجه انجام شده باشد در فرانسه قابل تعقیب نیست و اگر بالعکس بتوسط فرانسوی ارتکاب یافته باشد قابل تعقیب و مجازات می باشد.

بنابراین مطابق قوانین فرانسه هرگاه بکنفر خارجی در خارج بر علیه فرانسوی مرتکب جرم شود و بخاک فرانسه

بعلاوه مأمورین سیاسی که مجری نظریات دول متبوعه خود هستند باید در اقدامات مربوط باموریت خود آزاد باشند و اگر بنا باشد بنحوی از انحاء مأمورین مزبور یا بستگان آنها در خاک کشور متوقف فیها قابل تعقیب باشند حدود فعالیت آنها عملاً محدود میشود.

معافیت مأمورین سیاسی انحصار بجرائم عمومی ندارد بلکه نسبت بکلیه جرائم اعم از عمومی یا غیر آن مجری میباشد ولو آنکه جرم خیانت بمنافع عالیه کشوری باشد که مأمور در خاک آن متوقف است.

عنوان نمایندگان سیاسی منطبق بکلیه مأمورینی است که بنحوی از انحاء مأمور انجام مأموریتی در خاک دولت دیگر هستند. کلیه نواب و قنصلها و اتاşe های نظامی و عمال سفارت که در خاک دولت متوقف فیها رسماً مأمور انجام وظیفه سیاسی هستند و کلیه افراد خانواده آنها از معافیت مذکور بهره مند میباشند. اهل بیت مأمور را اگر قوای محلی میتوانستند تعقیب کنند در حقیقت سکنه بعملیات و فعالیت نماینده مزبور وارد میشد. ولیکن مستخدمین و کارکنان سفارت یعنی کسانیکه برای خدمت در محوطه سفارت خانه انتخاب شده اند مشمول مقررات معافیت نیستند. معذک تراکت بین المللی چنین اقتضا دارد که مستخدمین مأمور را باطلاع خود مأمور جلب و تعقیب نمایند.

خانه و منزل مأمورین سیاسی نیز از هرگونه نفیث و تعرضی مصون میباشد و الا اسناد و نوشته جات او که مربوط بکارهای راجعه باموریت اوست در معرض خطر واقع نمیکردید. از اصل مصونیت منزل مأمور سیاسی نباید نتیجه گرفت که خانه مأمور قسمتی از خاک دولت متبوع اوست و حق خارج المملکتی دارد. بنا بر این نمیتوان باستناد اصل مصونیت منزل برای دستگیری مجرمیکه در محوطه سفارت و محل سکونت مأمور پناهنده شده یا در آن محوطه مرتکب جرم گردیده است متوسل باصل استرداد گردید.

۳۶ - ب - مصونیت سیاسی - از نقطه نظر حقوق داخلی رؤسای ممالک و سلاطین ما فوق قوانین عادی جزائی قرار دارند زیرا از نظر تفکیک قوا و استقلال قوه مجریه در مقابل قوه قضائیه نمیتوان رؤسای قوه مجریه و سلاطین را

اولاً - اقامه دعوی مدعی خصوصی در این مورد به تنهایی کافی نیست بلکه باید دعوی بتوسط مدعی العموم (دادستان) اقامه شود.

ثانیاً - اقامه دعوی جزائی از طرف دادستان منوط بتقاضای مدعی خصوصی است و اگر پس از تعقیب مدعی خصوصی منصرف از تعقیب شود دیگر عمل قابل تعقیب از طرف دادستان نخواهد بود.

ثالثاً - عمل ارتکاب یافته وقتی قابل تعقیب است که بموجب قانون کشور محل وقوع جرم و همچنین بموجب قانون فرانسه جرم شناخته شده باشد.

خلاف - قانون فرانسه بعضی امور خلافی را (از قبیل خلاف های راجعه بصید و شکار و جنگلها و مراتع و غیره) که در اراضی سرحدی از ناحیه افراد فرانسوی ارتکاب یافته باشد قابل تعقیب و مجازات میداند.

#### ۴۴ - استثناء از اصل قابلیت اجرائی قوانین

جزائی بنا بر آنچه که فوقاً ذکر شد قوانین جزائی نسبت بکلیه جرائمیکه در داخله کشور ارتکاب مییابد چه مجرم از اتباع آن کشور بوده یا از اتباع خارجه باشد بطور تساوی مجری و نافذ است - بنا بر این نه خارجی بودن مجرم و نه اهمیت و اعتبار اجتماعی او مانع اجرای قانون نخواهد بود. معذک از نقطه نظر حقوق بین المللی و حقوق عمومی داخلی دو دسته استثناء نسبت باین اصل وجود دارد:

#### ۴۵ - الف - مصونیت دیپلماتی - از نقطه نظر

حقوق بین المللی کلیه نمایندگان سیاسی يك کشور که در کشور دیگر مأموریت دارند از تعقیب شدن در مقابل دادگاه های عمومی آن کشور چه از نقطه نظر جرائم عمومی و چه از نقطه نظر جرائم اختصاصی و سیاسی معاف هستند زیرا مأمورین سیاسی در حقیقت نماینده قوای حاکمه دولتی که از طرف آن نمایندگی دارند در خاک دولت متوقف فیها میباشند و بین دو دولت حق حاکمیت وجود ندارد - و اگر نمایندگان و مأمورین سیاسی در مقابل دادگاههای دولتی که نماینده گان مزبور در خاک آن مقیم هستند قابل تعقیب و مجازات باشند باصل تساوی دول در مقابل یکدیگر لطمه وارد می آید.

مقابل مراجع عادی قضائی قابل تعقیب دانست . همچنین در ممالک پارلمانی اعضاء مجالس مقننه برای آنکه بتوانند وظایف نمایندگی خود را انجام دهند مصون از تعقیب هستند باینمعنی که هرگاه وکلای نمایندگان مجالس مقننه بمناسبت انجام وظیفه خود اظهاراتی نمایند یا عقیده ورآئی ابراز کنند بهیچوجه نمیتوان آنها را مورد تعقیب قرار داد . وهم چنین اگر مرتکب جرائم عمومی شوند تعقیب آنها منوط با اجازه مجلس میباشد .

اصل دوازدهم قانون اساسی ایران در اینمورد میگوید: « بهیچ عنوان و بهیچ دست آویز کسی بدون اطلاع و تصویب مجلس شورای ملی حق ندارد متعرض اعضای آن بشود . . . » اصل مزبور در مورد جرائم مشهوده اجرای سیاست را موکول باستحضار مجلس مینماید .

**۴۷ - موارد دیگری که اصل قابلیت اجرایی قوانین جزائی را محدود میکند -** غیر از دو مورد فوق الذکر موارد دیگری نیز وجود دارد که اصل قابلیت اجرایی قوانین جزائی را محدود میکند - منتهی این موارد عمومیت ندارد یعنی بعضی از قوانین ممالک متمدنه آنها را قبول نکرده اند یا باقیود و شروطی قبول کرده اند . مثلاً مصونیت و کلاء مدافع در اظهاراتی که بمناسبت وظیفه خود در حین دفاع و در جریان مدافعه از موکلین خود مینمایند - یا مصونیت مجرمی که تبعه دولت خارج بوده و بمناسبت جرمیکه در خاک کشور دیگر مرتکب شده در کشور متبوع خود تحت تعقیب جزائی قرار گرفته و حکم قطعی درباره او صادر شده باشد - یک چنین مجرمی را نمیتوان در خاک کشوری که جرم در آنجا اتفاق افتاده مجدداً تحت تعقیب جزائی قرار داد ولو آنکه در خارج مور د عفو واقع شده و مجازات عمل باین مناسبت در حق او اجرا نشده باشد .

**۴۸ - استرداد مجرمین -** اصل دیگری که در حقیقت آنها از متفرعات عنصر قانونی است اصل استرداد است . استرداد در حقوق جزا عبارت از پس گرفتن مجرم است از دولتی که مجرم پس از ارتکاب جرم بآنجا پناهنده شده است . بدیهی است دولتی که جرم در خاک او اتفاق افتاده نمیتواند مجرم را طبق قوانین جزائی خود تعقیب و مجازات

کند - بنا بر این هرگاه مجرم پس از ارتکاب جرم فرار کرد و بخاک دولت دیگر رفت دولت محل وقوع جرم میتواند از دولتی که مجرم بآنجا پناهنده شده است تقاضای استرداد او را بنماید .

عادناً قوانین داخلی ممالک در قسمت استرداد ساکت هستند فقط قراردادهای سیاسی بین دول طرز استرداد را تنظیم میکند باینمعنی که در قراردادهائیکه دول بایکدیگر منعقد میکنند ممکن است نسبت بیکدیگر تعهد استرداد مجرمین خود را بنمایند - هرگاه قرارداد مخصوصی هم وجود نداشته باشد دولتی که مجرم بآنجا پناهنده شده میتواند بشرط معامله متقابل مجرم را بمملکت تقاضا کننده مسترد دارد .

ولی در بعضی از موارد استرداد ممکن نیست یعنی عادات بین المللی مستثنیاتی وضع کرده است که بتدریج مورد قبول عمومی واقع شده . مثلاً هیچ دولتی تبعه خود را مسترد نمیدارد و همچنین هیچ دولتی متهمی را که طبق قوانین جزائی آن کشور قابل تعقیب باشد مسترد نمیکند - در مورد استثناء اول میتوان علت را چنین فرض کرد که دول به تشکیلات قضائی همدیگر اعتماد لازم ندارند و بهمین جهت اگر تبعه آنها در خارج مرتکب جرمی شده باشد و بکشور متبوع خود فرار کند دولت متبوع مجرم ، خود در مقام تعقیب مجرم برآمده و او را مجازات میکند .

بدیهی است این بی اعتمادی که دول متمدن نسبت به تشکیلات قضائی یکدیگر دارند قابل تنقید است - زیرا در عصری که تشکیلات بین المللی رو بتوسعه است و از طرف دول بتشریک مساعی بین المللی اظهار علاقه میشود نباید اصولی که مبتنی بر نخوت ملی است تقویت نمود خاصه در مقام قضاوت که بی طرفی و وصول بحقیقت جزو تعریف قضاوت و اعتبار تشکیلات قضائی بیش از آنست که ملیت مجرمین مطمح نظر واقع شود .

در مورد استثناء دوم باید چنین فرض کرد که جرمی که در خارج واقع شده بنحوی از انحاء مضر بحال مملکتی است که مجرم بخاک آن پناهنده شده - در اینصورت چون مجرم تحت تعقیب جزائی قوانین کشور اخیر الذکر قرار گرفته قابل استرداد نیست .

استثناء دیگری که بر اصل استرداد وارد شده عدم استرداد

را غیر قابل قبول دانست بموجب حکمی که اعتبار قضائی دارد آنرا رد میکنند.

### فصل دوم - عنصر مادی

۴۱ - برای آنکه کسی بانتهام ارتکاب جرمی قابل تعقیب گردد باید اعمالی از او صادر شود که کاشف از قصد او بارتکاب جرم مزبور باشد و مادام که قصد ارتکاب بواسطه عملیات خارجی آثاری از خود در خارج ظاهر نکرده و بمباراة اخیری مادام که مقدمات ارتکاب جرم ماداً در خارج وقوع نیافته است نمیتوان مجرم را قابل تعقیب دانست - همچنین در مواردیکه قانون مجازات حکم بانجام اعمالی کرده و برای امتناع کمنندگان مجازات قائل شده مادام که امتناع از انجام عمل در خارج مسلم نشود نمیتوان مرتکب را مجازات نمود بنا بر این برای ارتکاب جرم مجرم باید چهار مرحله را به پیماید :

اول قصد ارتکاب

دوم تهیه مقدمات

سوم شروع با اجرا

چهارم اجرا

هریک از مراحل چهارگانه را ذیل شرح میدهم :

#### ۱ مرحله اول - قصد ارتکاب

۴۲ - اولین مرحله که مجرم برای ارتکاب جرم طی میکند قصد ارتکاب است - یعنی قبل از هر چیز فکر انجام جرم در متخیله مجرم خطوط کرده و پس از آنکه فکر مزبور پخته شد تصمیم بارتکاب آن گرفته مقدمات عمل را فراهم میکند. آنچه امروزه بموجب قوانین جزائی دول مختلفه مسلم است آنکه قصد ارتکاب قابل مجازات نیست یعنی مقررات جزائی را نمی توان شامل حال کسانی دانست که فقط در مرحله خیال فکر ارتکاب جرم را در متخیله خود میگذرانند .

بنابراین مجرم هر قدر که برای انجام خیال خود در فکر خویش نقشه طرح کرده و جزئیات آنرا در دماغ خود حلایجی کند و حتی تصمیم بارتکاب جرم گیرد معذک مواد قانون جزا گریبان گیر او نمیشود زیرا مقررات جزائی فقط

مجرمین سیاسی و مجرمین نظامی است - باین معنی که هرگاه مجرم سیاسی یا نظامی بکشور دیگری پناه برد استرداد نخواهد شد .

#### ۳۹ - علت این استثناء - علت این استثناء آنست

که مسائل سیاسی یا نظامی از لحاظ اهمیتی که برای دولت محل وقوع جرم دارد باید مخفی مانده و حتی المقدور از فاش شدن آنها جلوگیری بعمل آید در صورتیکه اگر استرداد ممکن باشد کشور استرداد کننده برای قبول یارد تقاضای استرداد لازم است قبل از استرداد (چنانکه بعداً ملاحظه خواهیم کرد) تحقیقاتی از مجرم بعمل آورد در حقی در بعضی از ممالک مجرم را قبل از استرداد در دادگاههای صالحه محاکمه میکند - بدیهی است که در طی این تحقیقات مسائل مربوطه بجرم که مخفی ماندن آنها ضرورت داشته فاش میگردد .

#### ۴۰ - طرز تقاضای استرداد و اجرای آن -

برای استرداد متهم، بدو اوراقه جلب توسط مستنطق صلاحیت دار صادر میشود سپس از طریق وزارت تعدلیه و وزارت خارجه تقاضای استرداد توسط نمایندگان سیاسی مقیم خارجه از دولتی که متهم بانجائپناه برده بعمل میآید .

دولتی که استرداد از آن تقاضا شده ممکن است بیکدی از طرق ثلاثه ذیل عمل کند :

اول - ممکن است مراجع قضائی کشوری که مجرم بانجا پناه برده بجرم مورد اتهام از نظر قضائی رسیدگی کند و در صورتیکه مرجع مزبور جرم را مسلم تشخیص داد مجرم مسترد گردد .

دوم - ممکن است دولت پس از کسب نظر مراجع قضائی (بدون آنکه قانوناً ملزم بمتابعت نظر مزبور باشد) در استرداد مجرم تصمیم اتخاذ کند .

سوم - ممکن است وزیر عدلیه بدون مراجعه بمراجع قضائی پس از مشورت بامدعی العموم (دادستان) در استرداد یا عدم استرداد مجرم تصمیم گیرد .

اولی طریقه انگلستان؛ دومی طریقه بلژیک، و سومی طریقه فرانسه میباشد .

در انگلستان دادگاه مخصوصی وجود دارد که نسبت بتقاضای استرداد رسیدگی کرده و در صورتیکه تقاضای مزبور



آنکه کمترین عملی برای انجام موضوع تبانی و کنکاش انجام دهد فقط پیشنهاد تبانی کرده است و حتی ممکن است پیشنهاد او هم مورد قبول واقع نشده باشد. در این موارد همچنین در موارد مشابه دیگر بنظر میرسد که چون جرمی واقع نشده نتوان عامل را قابل تعقیب جزائی دانست.

ولی این تصور صحیح نیست و چون این قبیل اعمال بخودی خود و صرف نظر از تمایجی که عملاً ممکن است داشته باشد انتظامات اجتماعی را متزلزل نمیکند قانون مجازات عمومی آنها را جرائم مستقلی دانسته و نفس عمل تهدید یا تبانی یا دعوت برای تبانی و امثال آنها مجازات میکند.

## II - مرحله دوم - تهیه مقدمات

۴۴ - در این مرحله مجرم یا از دائره فکری بیرون گذاشته و به مرحله عمل رسیده و برای ارتکاب جرم مقدمات کار خود را تهیه میکند. مثلاً برای ارتکاب قتل اسلحه می خرد یا برای ارتکاب دزدی نردبان یا کلید تهیه می کند.

بدیهی است نمیتوان اقدامات مزبور را همیشه مقدمه ارتکاب جرم تصور کرد چه آنکه ممکن است خریدن اسلحه یا تهیه کلید برای مقاصد کاملاً مشروعی باشد مثلاً اسلحه برای شکار و کلید برای باز کردن درب خانه متعلق بخود شخص تهیه شده باشد. برای آنکه موضوع روشن شود لازم است دو نکته تشریح گردد:

اولاً از نظر قانون جزا، چه قسم اعمالی را تهیه مقدمات میتوان نامید و آیا بین این مرحله و مرحله شروع باجری چه تفاوتی وجود دارد و وجه تمایز بین این دو مرحله چیست؟ ثانیاً آیا مرحله تهیه مقدمات قابل مجازات هست یا نه؟

موضوع اول یعنی تشخیص اعمال مقدماتی از شروع باجری اهمیت خاص دارد زیرا هر چند در اغلب از موارد این دو مرحله از یکدیگر مجزی بوده و قابل اختلاط و اشتباه نیستند ولی گاهی از اوقات ممکن است تشخیص آند و ساده نباشد و معلوم نگردد که مجرم چه وقت از مرحله تهیه مقدمات خارج و بمرحله شروع باجری وارد شده است - از طرف دیگر تشخیص بین این دو مرحله کمال اهمیت را

را مجازات میکند و فکر عمل زشت هر چند که اخلاقاً مذموم باشد از آنجائیکه عملاً ضرری بنظام اجتماع ندارد نمیسازد قابل تعقیب نیست - بعلاوه مصلحت هم نیست اشخاص را بمجرد داشتن قصد ارتکاب مجازات کنیم، زیرا در صورت هر کس که بفکر جرمی افناد آنرا تا آخر انجام میدهد چه آنکه میدانند بهر صورت مجازات خواهد شد - بعلاوه بر آن کشف قصد اشخاص نیز غیر ممکن است و بفرض آنکه قصد مزبور هم بواسطه اقرار صاحب قصد کشف شود باز از احاط آنکه مجرم هنوز قصد خود را انجام نداده جزائاً قابل تعقیب و مجازات نیست.

هر چند میتوان گفت که هرگاه کشف شود مجرمی قصد ارتکاب جرم معینی را دارد و ثابت شود که مجرم مزبور بهر مقام اجرای قصد خود بوده است جامعه باید قبل از وقوع جادانه در صد حفظ و حراست خود برآید و شرط عقل نیست که مجرمی را که قصد ارتکاب او کشف شده است بحال خود باقی گذاشت و منتظر شد که عمل خود را تا آخر انجام دهد سپس در مقام مجازات او برآمد. البته این ایراد کاملاً وارد است ولی چنانکه گفتیم چون قانون مجازات فقط عمل یا خودداری از انجام عمل را مجازات میکند جلوگیری شخصی که قصد ارتکاب جرمی را دارد از عهده قانون جزا خارج است فقط پلیس و تشکیلات تأمینیه کشور عملیات یک چنین شخصی را ممکن است تحت مراقبت قرار داده و او را عملاً از انجام دادن قصد خود جلوگیری نماید. و حتی در بعضی از کشورها مجرمینی را که سابقه جزائی آنها مفصل است از باب اینکه بالقوه استعداد ارتکاب جرم دارند بمستملکات میفرستند تا جامعه از خطر آنها مصون ماند.

۴۳ - مواردیکه نمیتوان آنها را در حکم قصد ارتکاب دانست - در بعضی از موارد ظاهر امر طوری است که چنین بنظر میآید که چون اراده فاعل آثار خارجی پیدا نکرده، عمل قابل مجازات نیست - مثل تهدید که مجرم ممکن است واقعاً قصد انجام دادن موضوع تهدید را نداشته باشد - یا کنکاش و تبانی برای ارتکاب جرم که تبانی کنندگان ممکن است بهیچوجه عملاً در مقام انجام موضوع تبانی بر نیامده - حتی کمترین عمل مقدماتی آنرا هم انجام ندهند - یا دعوت دیگری بشرکت در کنکاش و تبانی، که دعوت کننده بدون

بسیار دارد - فقط اقدامات مزبور مجرم را برای ارتکاب جرم مجهز کرده و وسایل کار او را فراهم میکند.

عملیات اجرائی بالعکس اعمالی هستند که نفس جرم از آنها ترکیب مییابد. بنا بر این هرگاه بتوان عملی که از مرتکب صادر شده است با تعریفی که قانون از آن جرم کرده منطبق نمود آن عمل شروع محسوب است. مثلاً عمل دزدی را قانون ربودن مال غیر تعریف کرده بنا بر این هرگاه فرض کنیم که مجرم دست خود را برای ربودن روی شیشی که مورد نظر اوست قرار داد جرم شروع شده است.

#### ۴۶ - اشکال تشخیص این دو مرحله در بعضی

از موارد - در بعضی از موارد تشخیص این دو مرحله از یکدیگر بی اشکال نیست - مثلاً هرگاه فرض کنیم که مجرم بقصد سرقت از محل خود حرکت کرده و خود را با وسائلی که برای انجام مقصود لازم دارد مجهز نماید، ولی در بین راه گرفتار شود، یا بواسطه موانعی که خارج از اراده او بوده و یا بواسطه اصراف شخصی عمل او ناتمام بماند، آیا باز میتوان جرم را شروع شده محسوب کرد؛ یا آنکه اقدامات مزبور جزو مرحله تهیه مقدمات میباشد.

قدری بالاتر برویم و فرض کنیم که مجرم با اسباب و افزار کار خود مشغول شکستن صندوق است تا مال را از درون آن برآید، و یا با اسلحه بطرف شخصی حمله کرده و در شرف وارد آوردن ضربت است - در این جا هر چند عملی که از مجرم صادر شده است با تعریفی که قانون از جرم سرقت و قتل نفس کرده و سرقت را ربودن مال غیر و قتل نفس را خاتمه دادن بحیات دیگری تعریف کرده تطبیق نمیکند - ولی آیا میتوان عملیات مشارالیه را فقط تهیه مقدمات دانست و شروع محسوب نکرد؟

#### ۴۷ - طریقه موضوعی و طریقه شخصی - برای

تشخیص از یکدیگر بین علمای علم جزا دو طریقه مرسوم است:

اول طریقه که آنرا موضوعی مینامیم (۱)

دوم طریقه که آنرا بطریقه شخصی تعبیر میکنیم (۲)

طرفداران طریقه اول معتقدند که آنچه مهم است وقوع جرم و نتایج وخیمی است که از ارتکاب جرم متوجه جامعه

دارد زیرا مرحله تهیه مقدمات جزئیة بموجب قوانین موضوعه اصولاً قابل مجازات نیست در حالیکه شروع باجرا ممکن است قابل تعقیب و مجازات باشد

ما سعی خواهیم کرد موضوع تشخیص این دو مرحله را در موقع مطالعه مرحله شروع باجری بقدر امکان روشن سازیم - موضوع دوم یعنی قابل مجازات بودن یا نبودن تهیه مقدمات چنانکه فوقاً بآن اشاره شد در قوانین موضوعه معمولاً جواب منفی بآن داده شده باین معنی که تهیه مقدمات جزئیة از لحاظ آنکه همیشه کاشف از نیت مجرمانه عامل آن نیست، بلکه غالباً از اوقات ممکن است عملیات مزبور کاملاً مشروع بوده و بقصد انجام عمل خلاف قانونی نباشد، قابل مجازات نیست - فقط قوانین موضوعه بعضی از اقسام تهیه مقدمات را از لحاظ اهمیت موضوعی یا از لحاظ مصالح اجتماعی یا ارتباط مستقیمی که ممکن است بین آن و نفس جرم وجود داشته باشد جرم تشخیص داده و مجازات میکند.

ماده ۲۱ قانون مجازات عمومی ایران را جم بقصد ارتکاب و تهیه مقدمات جزئیة میگوید مجرد قصد ارتکاب یا تهیه بعضی از مقدمات جزئیة آن شروع محسوب نمیشود از عبارت «بعضی از مقدمات» که قانون جزا در ماده ۲۱ اشاره بآن کرده معلوم میشود که قصد مقنن آن بوده است که بعضی از مقدمات دیگر را شروع محسوب کرده و آنها را قابل مجازات بداند - این مقدمات عبارت از مقدماتی است که رابطه مسلم و نزدیک با جرم دارد.

بنا بر این تهیه مقررات جزئیة اصولاً قابل مجازات نیست مگر آنکه قانون صراحتاً آنرا جرم تشخیص و برای آن مجازات تعیین کرده باشد.

#### III مرحله سوم - شروع باجری

#### ۴۵ - تشخیص شروع به اجری از تهیه مقدمات

چنانکه سابقاً اشاره کردیم مرحله تهیه مقدمات را باید از مرحله شروع باجری تشخیص داد.

مقدمات جرم اعمالی هستند که جرم از آنها ترکیب نمی یابد بلکه مجرم آنها را بفرآیند که او را بمقصد نزدیک کند انجام میدهد - مثلاً تهیه اسلحه یا خریدن سم با اجرای جرمی که مجرم در فکر خود نقشه ارتکاب آنرا ریخته فاصله

Objectif - ۱

Subjectif - ۲

را که سابقه جرم نیز ندارد و شاید با هزاران تردید و نگرانی بقصد سد جوع برای سرقت اغذیه حرکت میکند و شاید در بین راه از ترس یا ملاحظات اخلاقی بایش آمدن موانع از خیال خود نیز بشیمان شود با مجرم متهوریکه کاملاً مجهز بوده و با آلات و ادوات کار خود صندوق محکم راشکسته و دست بروی شیئی موضوع سرقت گذاشته و مشغول ربودن است یکسان تصور کرد و عمل هر دو را بیک نحو مجازات کرد. بسا ممکن است که اقدامات مجرم که ما از آن تعبیر بعملیات مقدماتی میکنیم هیچگاه به نتیجه نرسیده و مجرم قصد خود را نصفه کاره گذاشته و دنبال نکند. اگر بنا باشد که این قبیل عملیات را قابل مجازات بدانیم در حقیقت مجرم را تشویق کرده ایم که جرم خود را تا آخر انجام دهد.

اما طریقه دوم نیز این حسن را دارد که جامعه را در مقابل خطر مجرم بهتر دفاع میکند و کمترین عملی که در خیال مجرم بمنظور پیشرفت جرم ارتکاب یافته باشد تعقیب کرده و مجازات میدهد.

در عمل میتوان این دو نظریه را جمع کرده و از مزایای هر یک از این دو طریقه استفاده نمود زیرا اگر ما طریقه موضوعی را صرفاً تعقیب کنیم و اقدامات اولیه مجرمین متهور را که سابقه جزائی مفصل هم دارند نشانه و قرینه خطرانی که متوجه جامعه خواهد شدندانیم در حقیقت مجرمین مزبور را در ارتکاب جرم جری مینمائیم در حالیکه اگر از وحله اول اقدامات آنها را علامت خطر دانسته و در مقام تعقیب و مجازات بر آنها قطع ریشه فساد کرده و نطفه جرم را از حین انمقادمقطع میسازیم. باین جهت مصلحت آنست که در مورد مجرمین بحرفه و عادت طریقه شخصی را عمل نمائیم و اعمال آنها را هر قدر هم که ارتباط آن با نفس جرم بعید باشد مجازات دهیم. بالعکس نسبت بمجرمینیکه سابقه جزائی ندارند طریقه موضوعی را عمل کرده و اقدامات مقدماتی آنها را مادام که منتهی بوقوع جرم از ناحیه آنها نشده است قابل مجازات ندانیم.

۴۹ - رویه قضائی فرانسه - رویه قضائی فرانسه

همین طریقه را قبول کرده - امثله چند که از اصول مزبور اتخاذ شده است برای روشن شدن رویه قضائی آن کشور ذکر میشود:

ک- بنابراین مجرم تا وقتی که شروع بانجام نفس جرم کرده خوفناک نیست و مقدماتیکه برای ارتکاب عمل فراهم کرده است از نظر جزائی قابل اهمیت نبوده و مجازات ندارد. طبق این طریقه در مثالیکه فوقاً تشریح شد حرکت مجرم محل خود بقصد خانه که سرقت باید در آنجا واقع شود شروع محسوب نمیشود.

مثال دیگر - یکی از اقسام سرقت های مذکور در ماده ۲۲۶ قانون مجازات عمومی سرقت در جائی است که بواسطه درخت یا بوته یا پرچین یا نرده مجرز بوده و سارق حرز را شکسته باشد - حال اگر شخصی بقصد سرقت حرز را بشکند مطابق عقیده طرفداران طریقه موضوعی عمل او شروع به اجرا محسوب میشود. زیرا قانون مجازات یکی از اقسام سرقت را سرقت بوسیله شکستن حرز دانسته و مجرم بمجرده شکستن حرز یک قسمت از مقدمات جرم را انجام داده و بالتبعیه ارتکاب جرم شروع شده است - بالعکس اگر مجرم بقصد سرقت از درخت و بوته یا پرچین بالا نرفته و حرز را شکسته بلکه بقصد ارتکاب اعمال منافی عفت و غیره این کار را کرده باشد، عمل مزبور از نظر ارتکاب عمل منافی عفت مطابق عقیده طرفداران طریقه موضوعی شروع محسوب نمیشود قطع نظر از اینکه شکستن حرز از لحاظ تخریب مال غیر جرم مستقلی است.

طرفداران طریقه دوم بالعکس معتقدند آنچه که باید مورد نظر واقع شود قصد مجرم است نه اقداماتیکه مجرم برای ارتکاب نفس جرم انجام داده است - بنابراین کلیه مقدماتی که در فکر مجرم ارتکاب جرم را تسهیل میکنند از قبیل خرید اسلحه یا سم یا آلات و افزاریکه برای ارتکاب جرم ضرورت دارد شروع با جری محسوب و طبق این عقیده قابل مجازات است.

۴۸ - انتقاد هر یک از دو طریقه - هر یک از

دو عقیده فوق دارای مزایا و هم چنین دارای معایبی است مزیت مهم طریقه موضوعی آنکه در طریقه مزبور مرحله تهیه مقدمات از مرحله شروع با جری کاملاً متمایز است و برای هر یک از آن دو میتوان احکام متفاوتی مقرر نمود - جای تردید نیست که مخلوط کردن این دو مرحله بایکدیگر نه علماً و نه عملاً پذیرفتنی نیست - مثلاً چگونه میتوان مجرم ساده

مثال اول - در نفر از او باش تحصیلداری را مشاهده کردند که داخل خانه گردید - برای آنکه عواید جمع آوری شده او را سرقت کنند در اطراف درب خانه مزبور منتظر خروج مأمور شدند - چون پلیس وضع آنها را مظنون یافت آنها را دستگیر کرد - دادگاه وضعیت آن ها را که عبارت از حالت انتظار باشد شروع به اجرای جرم تلقی نمود

مثال دوم - یک نفر دزدی که سابقه جزائی داشت بقصد سرقت برای آنکه اطمینان حاصل کند کسی در خانه نیست زنگ درب ورودی خانه را زد - بخلاف انتظار او یکی از اهل خانه برای باز کردن درب خانه آمد - سارق یا فرار گذاشت و در حین فرار گرفتار شد - دادگاههای فرانسه عمل او را که عبارت از فشار دگمه زنگ درب خانه باشد شروع باجرا محسوب کردند (مجموعه اصول قضائی سیره سال ۱۹۱۳ قسمت ۱ صفحه ۲۸۱)

#### ۵۰ - مقررات قانون جزای ایران در قسمت

شروع باجرا - بموجب قانون مجازات عمومی ایران در جنایات و در بعضی از جنحه ها شروع بجرم قابل مجازات است ولی مثل جرم انجام یافته مجازات نمیشود - و این موضوع حسن سیاستی است که مقنن بخرج داده زیرا اگر جرم شروع شده را مثل جرم انجام یافته مجازات دهیم دیگر دلیلی برای انصراف مجرم از ارتکاب جرم باقی نماند یعنی مجرم میدانند که جرم را اعم از اینکه تمام کنند یا ناتمام و ناقص بگذارند یک قسم مجازات میشود.

قانون مجازات عمومی در مرحله شروع بین جنایت و جنحه و خلاف فرق گذاشته است.

۱ - شروع باجرای جنایت - ممکن است مجرم شروع با ارتکاب جنایت کرده باشد ولی «یا بواسطه موانع خارجی که اراده فاعل در آنها مداخلت نداشته» (ماده ۲۰ قانون مجازات عمومی) و یا بمیل و اراده خود جرم را ناقص بگذارد. مثل اینکه مجرم کسی را که قصد قتل او را دارد هدف قرار داده و میخواهد پاشنه تفنگ خود را بکشد ولی شخص دیگری از عقب دست او را گرفته و مانع انجام عمل مجرم میشود - یا آنکه بالعکس مجرم بواسطه عوامل اخلاقی با علل دیگر شخصاً از ارتکاب جرم پشیمان شده و منصرف میشود بدیهی است در هیچیک از این دو صورت مجرم را نمیتوان

بمجازاتیکه برای نفس عمل مقرر است محکوم نمود بلکه مجازات مجرم در این دو مورد باید خفیفتر از مجازات اصل جرم باشد - ولی میزان مجازات چیست؟ - قانون مجازات عمومی در ماده ۲۲ تکلیف امر را معین نموده و چنین مقرر میدارد که در مورد اول یعنی در موردیکه مجرم بواسطه موانع خارجی که اراده او در آنها مداخلت نداشته جرم را ناقص گذاشته باشد «بعداقل مجازاتیکه برای نفس جنایت مقرر است محکوم خواهد شد» و در مورد دوم یعنی در موردیکه مجرم بمیل و اراده خود از انجام جرم منصرف شده فقط وقتی قابل مجازات است که مقدار عملی را که مجرم مرتکب شده است بخودی خود بموجب قانون جرم شناخته شده باشد.

بنابراین در مورد شروع بجنایت باید بین موقعی که مجرم بمیل خود عمل را ترك کرده و یا بواسطه موانع خارجی جرم را تا تمام گذاشته فرق گذاشت. اگر بمیل خود عمل را ترك کرده باشد اصولاً مجازات ندارد مگر آنکه مقدار عملی که انجام داده است بخودی خود جرم شناخته شده باشد مثلاً کسی بقصد کشتن دیگری با اسلحه بار حمله میکند ولی بلافاصله بمیل و اراده خود از مقتول ساختن معینی علیه منصرف میشود - این شخص مجازات قاتل را نخواهد داشت فقط اگر در حین حمله ضربت و جراحتی وارد آورده باشد چون این مقدار از عمل بموجب قانون بخودی خود جرم است بمجازات جرح و ضرب محکوم خواهد شد.

ولی اگر بواسطه موانع خارجی از انجام جرم منصرف شود قانون درباره اوسخت تر بوده و او را بعداقل مجازاتی که برای نفس عمل مقرر است محکوم میسازد. مثلاً اگر شخصی بقصد قتل در مقام حمله بدیگری برآید ولی بواسطه سر رسیدن اشخاص دیگر مجبوراً عمل خود را ترك کرده فرار کند بعداقل مجازات قاتل محکوم میشود علت این تفاوت واضح است و مقنن خواسته است باین وسیله مجرم را تا آخرین موقع امکان تشویق بانصراف از انجام جرم نماید.

ضمناً در موردیکه مجرم بمیل و اراده شخصی از ارتکاب عمل منصرف شده باشد قانون جزا بین موردیکه مجرم بواسطه ندامت اخلاقی یا ترس از مجازات یا کم اهمیتی موضوع جرم از ارتکاب انصراف حاصل کرده باشد فرقی نگذاشته است. نا تمام : دکتر سمعی